

The Effect of Textual Context/Coherence in Semantic Interpretation of Quranic Verses and Its Variants

Behrouz Soraghi¹ 

1. Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran. Email: behrouz.soraghi@abru.ac.ir

Detailed Abstract

Any spoken or written text must adhere to the rules, symbols, indicators, and grammatical structures of a language to ensure proper formation and to effectively convey the speaker's or writer's intent. In this regard, mastering the principles of jurisprudence—a structured discipline for interpreting the apparent meaning, text, and wording of the Quran in fields such as exegesis, jurisprudence, theology, and ethics—is of special importance. This is particularly true in cases where the primary intent of the verses appears to conflict with their literal meaning. Considering the textual context and coherence of the Quran is essential for accurately understanding its meaning and the divine intent. Although the Quran possesses unparalleled eloquence and clarity, its true intent may sometimes lie beyond the apparent meaning of its words due to factors such as metaphor, synonymy, polysemy, ambiguity, rhetorical nuances, and the semantic evolution of words over time. Overlooking these aspects can lead the reader away from the intended message. This is because the speaker's intended meaning reflects their inner thoughts, and words, whether written or spoken, give expression to these thoughts and intentions, making them evident to others. This ability is the tangible manifestation of eloquent expression, setting humans apart from other beings. The accurate interpretation of speech and writing, as well as the precise understanding of the speaker's intent, relies on the proper articulation of words and their organized arrangement within the context and structure of sentences and propositions. To ensure understanding and mutual comprehension, every language has established rules. Adherence to the rules of spoken and written language—in terms of structure, composition, eloquence, and rhetoric by the speaker and writer on the one hand, and the decoding of these signs and uncovering of meanings through a proper understanding of the role of words and sentences within the structure of the text and discourse by the audience on the other—ensures the accurate transmission and reception of the message. Considering the goal the speaker has in mind and their inten-

Received: 2024-12-04 | Received in revised form: 2025-02-10 | Accepted: 2025-02-11 | Published online: 2025-10-23

◆ How to cite: Soraghi, B. (2025). The Effect of Textual Context/Coherence in Semantic Interpretation of Quranic Verses and Its Variants. *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 9(2), 102-119. doi: [10.22034/sshq.2025.226011](https://doi.org/10.22034/sshq.2025.226011)

©2025. Article type: Research Article Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



tion to convey it to the listener, they arrange words and expressions in a way that, if altered, could change the intended meaning. The entire skill of the audience and the interpreter of the text lies in extracting meaning and uncovering the speaker's intent from the arrangement of these words, sentences, and their structure. Through this reverse process, they should arrive at the speaker's mental concept, which is referred to as the textual context or coherence. This principle is of even greater importance in the Quran. Therefore, the first step in properly understanding the Quran is to pay attention to and understand its textual clues. The study of the Quran's language becomes more complex because, despite its timeless nature, it was not revealed in a vacuum; it needed to establish a profound connection with the people of its time. Therefore, the Quran utilized the vocabulary of its era, making it relevant for all times and generations. This very fact makes the correct and precise understanding of the text reliant on recognizing both textual and extratextual clues. In this research, which is based on a library study method and the analysis of collected studies from Al-Mizan and other interpretive and jurisprudential sources, it has been concluded that context plays a significant role in understanding Quranic verses. Allameh Tabatabai, in uncovering the purposes of verses, frequently relied on context to determine the referent of pronouns, derive jurisprudential rulings, expand meanings, and more. The importance of this issue is such that ignoring contextual clues can be considered one of the factors that disrupt the understanding of the text, whether written or spoken. To understand context, one must consider its various levels, which are referred to as the *siyaq* of the sentence, the *siyaq* of the verses (*ayat*), and the *siyaq* of the surahs. Sometimes, the meaning of a sentence changes when two words are placed together. For example, the word "din" (religion) is used in various meanings throughout the Quran. When it appears next to the word "yawm" (day) in Surah Al-Fatiha, it carries a different meaning than when it is used in the verse "lakum dinukum wa liyy din" ("To you your religion, and to me my religion") in Surah Al-Kafirun.

Keywords: Quran; Context; Text; Implication of words; Principles of jurisprudence

تأثیر بافت متنی یا سیاق در دلالت بخشی معنایی به آیات قرآن و گونه‌های آن

بهروز سراقی^۱

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران.

behrouz.soraghi@abru.ac.ir

چکیده

هر متن شفاهی یا مکتوبی، جهت شکل‌گیری درست و رساندن مقصود گوینده و نویسنده‌اش، تابع رعایت ضوابط و نشانه‌ها، دالّها و قواعد دستوری آن زبان است. در این خصوص، توجه به دانش اصول فقه که علم روشمندی برای فهم ظاهر، نص و متن قرآن (در حوزه‌های تفسیر، فقه، عقاید، اخلاق و...) است، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به‌ویژه در مواردی که مقصود اصلی آیات با معانی ظاهری در تعارض است. توجه به بافت متنی یا سیاق قرآن یکی از شرایط فهم درست معنا و مراد خداوند متعال است. هرچند متن قرآن کریم فصاحت و بلاغت بی‌نظیری دارد، اما گاهی مراد اصلی در وراى معنای ظاهری الفاظ، بنا بر عواملی چون وقوع مجاز، ترادف، اشتراک لفظی، ایهام و ابهام، تطور معنایی الفاظ در گذر زمان، پنهان می‌گردد که نادیده گرفتن آن می‌تواند مخاطب را از مقصود حقیقی منحرف سازد. تحقیق حاضر با روش گردآوری و فیش‌برداری کتابخانه‌ای به جمع‌آوری آراء و نظریات طرح‌شده در این موضوع پرداخته و ضمن اثبات تأثیر این‌گونه دلالت و شرایط آن، ثابت نموده است که معنای سیاقی و بافت متن بر معنای ظاهری الفاظ مقدم شده و به همین دلیل، سبب تأثیر در برداشت‌های فقهی، تفسیری و... می‌شود که به نمونه‌هایی از قبیل: کنار زدن معنای ظاهری آیه با سیاق، مشخص شدن معنای آیه، تعیین مرجع ضمیر و... در قالب گونه‌های کاربردی آن اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اصول فقه، بافت، دلالت الفاظ، قرآن، متن.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۴ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

◆ استناد به این مقاله: سراقی، بهروز. (۱۴۰۴). تأثیر بافت متنی/سیاق در دلالت بخشی معنایی به آیات قرآن و گونه‌های آن. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*, ۹ (شماره ۲), ۱۰۲-۱۱۹. doi: 10.22034/sshq.2025.226011

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

زبان گفتاری و نوشتاری یکی از مهم‌ترین ابزار برقراری ارتباط و تفاهم بین انسان‌ها است، زیرا افراد برای رساندن مفاهیم ذهنی و مقاصد خود به دیگران، راهی آسان‌تر از الفاظ نوشتاری و گفتاری ندارند؛ اگرچه برای مقاصد خود گاهی از نمادها و تصاویر نیز بهره می‌برند، اما انتقال مفاهیم علمی، ادبی، تاریخی و... در حجم انبوه، با نوشتار یا گفتار بسیار آسان‌تر است. الفاظ و کلمات نوشتاری و گفتاری به مکنونات و مقاصد قلبی انسان، لباس وجودی بخشیده و آن را برای دیگران عیان می‌سازند که این نعمت، تفسیر عینی علم‌البیان و متمایزکننده بین انسان و دیگر موجودات است. دلالت صحیح گفتار و نوشتار و دریافت دقیق معانی و مراد متکلم در گرو بیان درست این الفاظ و کلمات و چینش قاعده‌مند آن در بافت و ساختار گزاره‌ها و جمله‌ها است. به همین منظور در هر زبانی قواعدی تدوین می‌شود تا از این تفهیم و تفاهم صیانت نماید. رعایت قواعد زبان گفتاری و نوشتاری از حیث ساختار، ترکیب و فصاحت و بلاغت که با نشانه‌ها و دال‌های متعارف، مقبول و مرسوم گوینده گفتار و نویسنده متن از یک سو و رمزگشایی این نشانه‌ها و کشف مفاهیم از طریق شناخت صحیح نقش لغات و جملات در ساختار متن و کلام در سایه تبعیت از همان قواعد مفروض و مقبول از سوی مخاطب، ضامن سلامت ارسال و دریافت درست پیام متن است؛ زیرا شکل چینش و ترتیب لغات در ساختار متن یا گفتار بنا بر هدفی است که گوینده در ذهن خود دارد و در صدد انتقال آن به ذهن مخاطب است و هرگونه تغییر چینش موجب تغییر مقصود می‌گردد. تمامی هنر مخاطب و مفسر متن می‌بایست صید معنا و کشف مراد گوینده متن از لابلای چینش مفردات، جملات و ساختار آن باشد؛ به عبارتی دیگر، مخاطب متن می‌بایست در حرکتی معکوس از طریق واژگان و جملات و نقش ساختاری‌شان، به ایده ذهنی گوینده دست یابد؛ از این رو، نخستین گام برای فهم صحیح قرآن توجه و فهم قرائن متنی است. کار در مورد زبان قرآن جایی دشوارتر می‌شود که قرآن در عین جاودانگی، در خلاء نازل نشده و می‌باید با مردمان معاصر خویش هم ارتباط وثیق پیدا می‌نمود؛ از این رو، از واژگان آن‌زمانی برای همه عصرها و نسل‌ها بهره برده است. همین امر فهم صحیح و دقیق متن را و امдар شناخت عواملی از قرائن بافت متنی و فرامتنی نموده که البته پرداختن به قرائن فرامتنی (سیاق مقامی) از دایره تحقیق این مقاله خارج است و خود مقال و مجالی دیگر می‌طلبد. پرسش پژوهش این است که بافت و سیاق چه تأثیری در معنا بخشی به متن و فهم پیام و مراد اصلی متن و آیات قرآن دارد؟ طبیعی است که پرسش‌های فرعی دیگر پیرامون موضوع رخ می‌نماید: اساساً بافت چه کارکردهایی را در تعیین بخشی معنایی دارد؟

و دیگر آنکه در تعارض ظهور معنای وضعی الفاظ و دلالت سیاقی و متنی، اولویت با کدام یک از این دو است؟

۲.۱. پیشینه پژوهش

– مقاله «نقش بافت در معناآفرینی آیات متشابه با تکیه بر نظریه فرث» نوشته قربانی و همکاران (۱۴۰۲) است. سعی نویسندگان در این مقاله، بر آن بوده است تا با استفاده از نظریه فرث نقش بافت در کاربرد حروف جر و میزان اهمیت آن را در معناآفرینی، میان برخی آیات متشابه، مورد کنکاش قرار دهد. بعد از تحلیل‌های صورت گرفته، این نتیجه حاصل شد: آیات متشابهی که تنها تفاوت آنها در حرف جر است، معنایی متفاوت ایفاء کرده‌اند که متأثر از سیاق و بافت آیات است.

– در مقاله‌ای دیگر با عنوان: «تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه "نکوهش مردم کوفه" امام علی»، نوشته حسینی اجداد و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی بافت متنی در یک عنصر زبانی نقش‌آفرین در تبلور صوری و معنایی متن پرداخته و به تحلیل خطبه مذکور اقدام نموده است که ویژگی‌های خطبه را از نظر ویژگی‌های بلاغی، ادبی، خطابی و... هماهنگ با بافت موقعیتی دانسته است.

– دیگر مقاله‌ای که در این باره نگاشته شده است، «تأثیر بافت متنی بر معنای متن»، اثر آقای (ساسانی ۱۳۸۹) است؛ گرچه نویسنده سعی نموده است نشان دهد که چگونه این عامل بر معنای متن اثر می‌گذارد و نمونه‌هایی را ارائه داده است، ولی به تأثیر آن در برداشت‌های فقهی، تفسیری و حتی ادبی قرآنی، اشاره نکرده است. مقاله «سبک شناخت علامه طباطبایی در عدول از سیاق در تفسیر المیزان» اثر آقایان جلیلیان و سبحانی یامچی (۱۴۰۱) در نشریه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم در اسفند به صورت برخط انتشار یافت. این مقاله با رویکرد عدول از معنای آیات سیاقی آیات به مواردی در المیزان اشاره نموده است که تحقیق حاضر رویکردی کاملاً متفاوت با اثر مذکور دارد.

۲. کلیات، مبانی نظری و مفاهیم

۱.۲. مفهوم بافت و سیاق

سخن از قرینه‌های زبانی یا لفظی در دانش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. در اصول فقه، تحت عناوینی همچون قرینه حالی و مقالی و دلالت التزامی (ایماء، اقتضا و اشاره) است؛ همچنین قرینه‌های زبانی و فرازبانی در دانش تفسیر قرآن، تحت عنوان دلالت سیاقی، شأن نزول و یا فضای نزول آیات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که در معناشناسی جدید از آن به بافت متنی تعبیر شده است؛ از این رو این اصطلاحات سه‌گانه، واژگان مترادفی هستند که در این متن از آن‌ها استفاده می‌شود.

۱،۱،۲. سیاق: این واژه در لغت عربی به معنای پی‌درپی و پشت‌سرهم آمده است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۴/۱۴۹۸) در ادبیات فارسی، واژه سیاق به معنای روش و طریقه آمده است (دهخدا، ذیل ماده سیاق) و همین معنا در طریقه و روش سخن گفتن برای سوق دادن لفظ و کلام به سوی معنای مورد نظر لحاظ شده است.

سیاق در این پژوهش، نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارات و یا یک سخن است که بر اثر همراه بودن آن‌ها با کلمات و یا جملات دیگر به وجود می‌آید. (بابایی، عزیزی کیا، روحانی راد، ۱۳۷۹: ۱۲۰)

غزالی درباره کیفیت فهم مراد شارع از طریق خطابات و نصوص دینی می‌نویسد: «بعد از روشن شدن وضع لغت و واژگانی که در محاوره به کار گرفته می‌شود، باید ملاحظه کرد که آیا متن خطاب، احتمال‌بردار می‌باشد یا خیر؟ اگر احتمال‌بردار نمی‌باشد، همان شناخت لغت و معانی آن در کشف معنا و مدلول کافی است، ولی اگر احتمالات گوناگونی پیرامون معانی و مراد گوینده به وجود آید، پس ناچاریم در کشف مقصود واقعی گوینده از قرائتی که گوینده در الفاظ خود گنجانده است، استفاده ببریم... که از آن علم قطعی یا ظن معتبر حاصل شود که مراد متن چیست؟» (غزالی، بی‌تا: ۳۳۹/۱)

برخی از فقها و علمای علم اصول، همچون نائینی، روحانی، میرزای آشتیانی و موسوی تبریزی، از سیاق بهره برده‌اند؛ همچنین صاحب نظران تفسیر، مانند: آلوسی، بیضاوی، جصاص و زرکشی، از اهل سنت و مفسر برجسته معاصر، علامه طباطبایی در تفسیر خود، بارها از دلالت سیاق استفاده کرده‌اند.

دلالت یافت یا سیاقی در معناشناسی نیز اهمیت دارد. «معناشناسی به علمی اطلاق می‌شود که طی آن با بررسی عناصر ماقبل و مابعد، سیر تطور معنا، متن‌گرایی، روابط واژگان و... معنای کلمه به دست می‌آید». (نورسیده، ۱۴۰۲: ۱۳۲)

ریشه‌ها و بنیان‌های معناشناسی را در آثار افلاطون می‌توان یافت. افلاطون در رساله خود، «کراتیلوس»، به بیان رابطه دال و مدلول پرداخته است. این رساله که به ۴ قرن قبل از میلاد برمی‌گردد، این‌گونه به چگونگی دلالت لفظ بر معنا پرداخته است: «درستی واژه‌ها تابع توافق کسانی است که آنها را به کار می‌برند و از این‌رو فرقی نمی‌کند که واژه‌ها در معنای کنونی به کار روند یا برخلاف آنها... ناچار باید بگوییم که توافق و عادت یکی از علل شمول واژه‌ها بر معانی است.» (افلاطون، بی‌تا: ۷۹۳/۲ و ۷۹۵)

معناشناسان بر این نکته تأکید دارند که گاه در یک متن، بافت زبانی آن آشکار است و همین امر موجب فهم متن می‌شود، اما در برخی از متن‌ها چنین قرائن و شواهدی وجود ندارد و همین امر سبب خلل در فهم مقصود اصلی و مراد گوینده یا نویسنده متن می‌گردد.

۲،۲. عوامل نیازمندی به بافت متنی / سیاق

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، هر متنی، از جمله قرآن کریم در بیان مقاصد، از نشانه‌های دلالت‌گر بر معانی و مفاهیم مورد نظر خود استفاده می‌کند. گاه وضوح و شفافیت معنی و مدلول به گونه‌ای تصریح شده است که جای هیچ‌گونه شک در مراد و مقصود از متن پیش نمی‌آید که در اصطلاح اصولی‌ها از آن به نص تعبیر می‌گردد، اما در پاره‌ای از گفتارها یا آیات و جملات قرآنی، دلالت به درجه‌ای از وضوح نمی‌رسد که مفسر یا خواننده متن احتمال معنای دیگر را به راحتی کنار بزند؛ به تعبیر دیگر، دلالت لفظ بر معنا ذووجوه است. عواملی که موجب می‌شود به دلالت بافت یا سیاق در فهم متن، توجه کرد عبارتند از:

۱،۲،۲. چندمعنایی (polysemy)

چندمعنایی یکی از عواملی است که سبب ابهام در فهم دقیق و مراد اصلی نویسنده می‌گردد؛ از این رو، می‌بایست به تحلیل این عامل پرداخت. «چندمعنایی از جمله آشناترین روابط مفهومی است که در سنت مطالعه معنی به آن پرداخته‌اند و آن را شرایطی معرفی می‌کنند که یک واحد زبانی از چند معنی برخوردار شود. چندمعنایی را می‌توان در سطوح مختلفی چون تکواژ، واژه، گروه و جمله مورد بررسی قرار داد؛ هر چند در سنت، چندمعنایی تنها در سطح واژه، اهمیت یافته و تحلیل آن نیز به همین سطح محدود گشته است، اما عوامل مختلفی در پدیده چندمعنایی مؤثرند که می‌توان به «انتقال در کاربرد»، «کاربرد ویژه»، «هنر آفرینی» و «تأثیرپذیری بیگانه» اشاره داشت». (صفوی، ۱۳۷۷: ۱۱-۱۲)

«پالمر» واژه چندمعنایی را واژه‌ای می‌داند که فی نفسه دارای چند معنا است. (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۱۵) ولی می‌توان مدعی شد که چندمعنایی در زبان، ویژگی برخی از واژه‌ها نیست، بلکه شرایطی است که بر حسب انتخاب و ترکیب، تمامی واحدهای نظام واژگانی را شامل می‌شود. (صفوی، ۱۳۷۷: ۱۱۷) برای انصراف یک واژه، جمله یا جملات چندمعنایی به معنای واحد و مورد نظر گوینده می‌بایست بافت کلامی و بافت موقعیت (سیاق) را لحاظ کرده و سپس به تفسیر متن یا گفتار پرداخت؛ به همین جهت، «یکی از روش‌هایی که ایزوتسو برای معناشناسی از آن کمک می‌گیرد، عبارات مترادف است». (همان: ۱۴۱) ولی در مقابل آن برای فهم متن نباید از چند معنایی نیز غافل بود.

۲،۲،۲. دلالت چندگانه (ambiguity)

دلالت چندگانه را می‌توان شرایط یا حالتی دانست که یک واحد زبان در بافت کاربردی‌اش، بیش از یک تعبیر داشته باشد که می‌توان آن را در دو قالب ابهام و ابهام ارائه نمود:

۱،۲،۲،۲. **ابهام و ابهام:** گزاره «شانه‌ام شکست» برخلاف «کنتم شکست» را نمی‌توان به‌طور قطع معنا نمود که مراد از شانه همان «کتف» است؛ زیرا ممکن است به معنای «ابزار آرایش مو» باشد. در چنین شرایطی که نمی‌توان معنای مقصود و منظور واقعی جمله را کشف کرد، باید گفت که با گزاره‌ای مبهم از حیث مصداق و مفهوم روبه‌رو هستیم. ابهام در جمله، برخلاف ابهام، ناشی از نبود قرینه و نقصان دال‌ها است و نباید آن را صنعت ادبی به شمار آورد؛ برخلاف ابهام که گوینده یا نویسنده به صورت آگاهانه آن را در کلام خود به کار می‌برد. ابهام برخلاف ابهام در خارج از بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی مطرح است و درون بافت کاربردی‌اش رفع می‌گردد، ولی ابهام صنعتی ادبی است که با انتخابی آگاهانه در کلام اعمال می‌شود تا ذهن مخاطب درگیر دو معنای متفاوت شود. دلالت چندگانه تنها زمانی قابل طرح است که واژه یا جمله، درون بافت زبانی و غیرزبانی، معانی متعددی داشته باشد و به همین دلیل است که دلالت چندگانه در کاربرد مصداق می‌یابد و بدون ارتباط با بافت، اساساً قابل طرح نیست؛ از این رو، توجه به بافت در شناخت دلالت واژه بر معنی و مراد اصلی گوینده، مؤثر است.

۳،۲،۲. بافت را باید محیط زبانی یا غیرزبانی پیرامون واحدی دانست که دلالت چندگانه درباره‌اش مطرح است. در چنین شرایطی، بافت را در دو گونه بافت زبانی و بافت غیرزبانی از یکدیگر متمایز می‌سازند. بافت زبانی بر محیط زبانی یک واحد زبان، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با واحدهای زنجیره‌های گفتار یا متن، دلالت دارد. (صفوی، ۲۱۲ و پالمر، ۱۱۵).

واژگانی که در یک جمله به کار برده می‌شوند، ارتباط و پیوستگی معنایی دارند؛ به‌گونه‌ای که در برخی موارد، تعدادی از کلمات به‌واسطه همنشینی با یکدیگر در قالب یک جمله، هویت معنایی پیدا می‌کنند؛ یعنی معانی مجازی یا ثانویه به خود می‌گیرند. از این پدیده می‌توان با عنوان پیوستگی میان واژگان یاد کرد. (غیبی و دیگران، ۱۴۰۳: ۳۰). برای توضیح بیشتر، شکل‌گیری گسست معنا در درون یک بافت و ظهور معانی متفاوت یک واژه را در درون بافت‌های گوناگون زبانی و غیرزبانی بازخوانی می‌نماییم: الف) یک شیشه شیر به من بده؛ ب) یک گله شیر به آن گاومیش حمله کرد؛ ج) شیر آب گرم حمام چکه می‌کند. در تمام این بافت‌ها یک واژه مشترک به کار رفته است، ولی مفاهیم و مصادیق آن‌ها متفاوت است. شناخت تفاوت معنایی در این گزاره‌ها در گرو شناخت بافت متنی آن گزاره‌ها است.

۴،۲،۲. **همنشینی معنایی:** همنشینی یا جانیشینی معنایی نیز یکی دیگر از عواملی است که سبب حاجت مخاطب و خواننده متن به سیاق و یا بافت کلام و بافت موقعیتی می‌شود. این عامل در نهایت به تحلیل از دو فرایند استعاره و مجاز ختم می‌شود. (مظفر، ۱۳۷۰: ۱/۱۲۳) به مثال‌های زیر توجه کنید:

خشیم (مردم) ایران را نباید نادیده گرفت؛ (هوای) اتاق خیلی سرده؛ (نور) خورشید از خواب بیدارم کرد؛ (شیر) آب را ببند؛ به پیغمبر (اسلام) قسم، من دروغ نگفتم.

کلمات داخل پرانتز به هنگام حذف از روی محور هم‌نشینی معنی خود را به واحد هم‌نشین خود انتقال داده است و این انتقال معنی سبب می‌گردد تا معنی تازه‌ای از واحد غیر‌محذوف درک گردد. در چنین شرایطی است که می‌توان به شناختی از فرایند هم‌نشینی معنایی دست یافت و آن را پدیده‌ای دانست که سبب انتقال معنای واحدهای هم‌نشین به یکدیگر می‌گردد. اگر این انتقال معنا از بسامد وقوع بالایی برخوردار باشد، این امکان ایجاد می‌شود که واحد غیر‌محذوف از ویژگی چندمعنایی برخوردار شود. (صفوی، همان فصل ۹).

۳،۲. اولویت ظهور بافت (سیاق) یا ظهور لفظی

هنگامی که لفظ یا متنی به خاطر عوامل پیش‌گفته شده ابهام در معنا و یا مراد اصلی داشته باشد و مفسر متن نتواند، به راحتی، به مقصود گوینده دست یابد (=تعارض معنای ظاهری و معنای بافتی و سیاقی)، اولویت با کدام یک است؟ در این خصوص، دو دیدگاه وجود دارد:

۱،۳،۲ دیدگاه تقدم دلالت لفظی بر دلالت سیاق

این دیدگاه معتقد است که دلالت بافت (سیاق) از نوع ظهورات لفظی نیست؛ در نتیجه، توان بر طرف نمودن ظهور لفظ در معنا را نداشته و نمی‌تواند آن را کنار بزند. مرحوم آشتیانی را می‌توان طرفدار این دیدگاه دانست. ایشان در کتاب خویش در بحث دلالت و مفاد آیه نفر، این‌گونه ذکر می‌کند: «بر فرض که ظهور سیاقی را بپذیریم، این ظهور از ظهورات لفظیه نمی‌باشد تا با ظهور لفظ در یک رتبه قرار گرفته و با آن مزاحمت کند؛ چه رسد که بر آن مقدم شده و نسبت به آن قرینه صارفه بشود». (آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱/۱۵۶) از نگاه ایشان تا زمانی که دلالت لفظی وجود دارد، نه تنها نوبت به تمسک به ظهور سیاقی نمی‌رسد، بلکه سیاق را نمی‌توان قرینه صارفه ظهور لفظی دانست.

۱،۳،۲. نقد و بررسی

به نظر می‌رسد، نمی‌توان به صورت مطلق پذیرفت که ظهور سیاقی بر ظهور لفظی و وضعی مقدم نمی‌شود؛ چراکه این دیدگاه علاوه بر تضادش با دیدگاه مخالف خود، با دلالت‌هایی از قبیل دلالت مجاز، دلالت اقتضاء و دلالت تنبیه در تضاد خواهد بود؛ زیرا اگر دلالت لفظی و ظهور وضعی جمله‌ای بر معنایی دلالت کرد، ولی دلالت اقتضائی آن (که بر مبنای تقسیم‌بندی مرحوم مظفر، از مصادیق دلالت سیاقی شمرده می‌شد) بر معنای دیگر دلالت نمود، دلالت سیاقی مقدم است.

۲،۳،۲. دیدگاه تقدم دلالت سیاقی بر دلالت لفظی

این دیدگاه را می‌توان از عبارات زرکشی و دیگران استنباط نمود. وی معتقد است که این‌گونه نیست که همیشه ظهور کلام در معنا و مفهومی از باب ظهور لفظ در موضوع‌له و معنای لغوی آن باشد، بلکه می‌بایست به دلالت سیاقی یا همان بافت که مرجع نهایی تولید مفهوم و معنای متن و نوشتار است، مراجعه نمود. ایشان در این باره آورده است:

«هرآینه، نظر مفسر می‌بایست به نظم گفتاری حاکم بر متن باشد؛ نظمی که کلام به‌خاطر آن شکل گرفته است؛ هرچند این سیاق مخالف وضع لغوی باشد؛ چراکه ممکن است در کلامی، مجازگویی شده باشد؛ از این رو می‌بینی که زرکشی بر سیاق کلام اعتماد کرده؛ گویی که غیر آن را ملغا کرده است.» (زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۱/۱۲۷)

بنا بر خصوصیت معنایی سیاق است که در صورت تعارض، معنای ظاهری را کنار زده و خود را به جای آن می‌نشانند؛ چراکه سیاق خصوصیتی و قرینه‌ای افزون بر کلام است که به همراه آن آمده است. در تأیید این دیدگاه، می‌توان به مواردی از قبیل دلالت مجازی، اقتضاء و تنبیه نیز اشاره نمود که دلیل عقلی ما را مجبور به پذیرش معنای سیاقی از جمله می‌نماید و نه معنای ظاهری الفاظ؛ چراکه سیاق عبارت است از راندن کلام به سوی غرضی خاص که موجب شده استحکام و ارتباطی بین صدر و ذیل و اثناء کلام به دست آمده و کلام به سوی غرض خاص سیر کند و با همین سیر به سوی غرض خاص، استعمال حقیقی یا مجازی مفردات، جملات و ترکیب‌ها روشن می‌شود. (معرفت: ۱۳۸۳: ۱/ ۷۱)

شایان ذکر است که وحدت موضوعی و پیوستگی در صدور متن، شرط چنین کاربردی از سیاق است تا متن قابلیت استناد و حجیت پیدا نماید؛ به همین جهت، «دهه‌های اخیر، شاهد رشد چشمگیر دانش غربی در مورد انسجام موضوعی و وحدت ساختاری سوره‌های قرآنی یا متون مقدس بوده است؛ به عنوان مثال، میشل کوپرس ارزش استفاده از روش‌های لفظی حاصل از مطالعات کتاب مقدس برای تقارن، همبستگی و ترکیبات حلقه‌ای سوره‌های قرآن را نشان می‌دهد.» (فاضلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱)

علامه طباطبایی نیز در کاربرد بیش از دوهزار بار از این اصطلاح در المیزان و استفاده‌های فراوان از سیاق، شرط ارتباط موضوعی و پیوستگی در صدور را متذکر شده است. (سراقی، ۱۳۸۷).

۳. اولویت‌های دلالت سیاق و بافت و گونه‌های آن در قرآن کریم

در این بخش از مقاله، به برخی از استفاده‌های دلالت بافت لفظی و یا همان سیاق در آیات قرآن، پرداخته می‌شود. شایان ذکر است، تنها به موارد معدودی که راقم این سطور، خود، از تفسیر گران‌سنگ المیزان استخراج نموده است، اشاره می‌گردد.

۱،۳. تعیین مرجع ضمیر

برای تعیین مرجع ضمیر در زبان عربی، اسلوب و قواعدی تدوین شده است؛ برای مثال، اگر در یک جمله، چند کلمه در جایگاه مرجع ضمیر، صلاحیت داشته باشد، ولی مقتضای کلام به یکی از آن‌ها بسنده کند، نزدیک‌ترین کلمه به ضمیر، مرجع در نظر گرفته می‌شود؛ مگر آنکه دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد. گاهی پذیرش یا نفی برخی احتمالات درباره تشخیص مرجع ضمیر، فراتر از این اسلوب و قواعد بوده و می‌بایست در پرتو سیاق یا بافت متن، مشخص گردد؛ بدین معنا که می‌بایست سیاق آیه و مرجع ضمیر با هم هماهنگ باشند. این‌گونه مرجع‌شناسی برای ضمیر تا اول سوره مؤمنون افزون بر ۲۴ مورد است که به ذکر نمونه ذیل بسنده می‌شود:

ضمیر «هم» در «اشهدتهم» و «انفسهم» در آیه ۵۱ سوره کهف (مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسَهُمْ...) را به ابلیس و ذریه‌اش ارجاع داده است. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳ و ۴۵۶). ایشان نظریات دیگر تفسیری را در خصوص تعیین مرجع ضمیر در این آیات، غیرقابل پذیرش دانسته است؛ چراکه معتقد است که اگر این مرجع را برای ضمیر فوق نپذیریم، آیات از سیاق اصلی خویش خارج شده و معنای آیات به هم می‌ریزد.

۲،۳. تعیین معنای حرفی آیات قرآن

از آنجاکه حروف می‌تواند نقش بسزایی در تغییر معنای آیه ایجاد کنند و موجب اختلاف برداشت‌های متنوع فقهی چون «فَاعْسَلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ»، شود، می‌بایست معنای درست حروف و مفردات کلمه را پیدا کرد. یکی از راه‌کارهای این دستیابی به معنای درست حرف، سیاق آیه است. در تفسیر المیزان، بیش از ۶ مورد معنای حرف بنا بر سیاق آیه، استخراج شده است. یکی از این موارد آیه ۲۹ سوره توبه است: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».

از سیاق آیه مورد بحث برمی‌آید که واژه «مِن» در جمله «مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، برای معنای بیانیه است نه تبعیضی. علامه در استدلال بر مدعای خود، می‌فرماید: «برای اینکه هریک از یهود و نصارا و مجوس، مانند مسلمین، امت واحده و جداگانه‌ای هستند، هرچند مانند مسلمین در پاره‌ای عقاید به شعب و فرقه‌های مختلفی متفرق شده و به یکدیگر مشتبه شده باشند و اگر مقصود قتال با بعضی از یهود و بعضی از نصاری و بعضی از مجوس بود یا مقصود قتال با یکی از سه طایفه اهل کتاب که به خدا و معاد ایمان ندارند می‌بود، لازم بود که بیان دیگری غیر از این بیان بفرماید تا مطلب را افاده کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۳/۹)

ایشان در تفسیر آیه ۸ سوره انفال (لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ)،

می‌نویسد: «از ظاهر سیاق برمی‌آید که «لام» در «لِيُحِقَّ» برای غایت است و کلمه مذکور تا آخر آیه، متعلق به جمله «يَعِدْكُمْ اللَّهُ» است. (همان: ۲۲)

۳.۳. معنای مفردات آیه

از آنجاکه الفاظ در معنای حقیقی و مجازی استعمال می‌شوند و یا یک لفظ ممکن است دارای چند معنا باشد، یکی از راه‌های کشف معنای واژگان یک گفتار یا نوشتار، توجه به سیاق و متن گفتار و نوشتار است؛ به همین دلیل، علامه طباطبایی در ذیل آیه ۴۲ سوره مائده (سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ)، آورده است: «... معلوم شد هر مالی که از راه حرام کسب شود، سحت است و سیاق آیه دلالت دارد بر این که مراد از سحت در آیه شریفه، همان رشوه است». (همان: ۵/۵۵۸) این شیوه استفاده سیاقی برای تعیین معنای مفردات، تا اول سوره مؤمنون بیش از ۲۸ مورد است.

۴.۳. کشف معنا و مراد

یکی دیگر از کاربردهای بافت‌متنی، روشن کردن معنای آیه است. علامه در موارد زیادی (۳۷ مورد) معنا و مراد آیه را بنا بر سیاق به دست آورده است؛ برای نمونه، واژه «أَذِنَ» در این آیه: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا...» به معنای خبر از «أَذِنَ» نمی‌داند، بلکه آن را به معنای فرمان به اذن دانسته که از راه سیاق به دست آمده است. (همان: ۱۴/۵۴۲)

۵.۳. کاربردهای فقهی

یکی دیگر از کارکردهای سیاق برداشت‌های فقهی از آیات است؛ اگرچه ممکن است این‌گونه کارکرد در قرآن، بسیار محدودتر از نمونه‌های دیگر باشد، ولی می‌توان برای نمونه به آیه ۴۵ سوره مائده (وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمُ أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ... وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ...) اشاره نمود. علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «سیاق این آیه، مخصوصاً با در نظر گرفتن جمله «وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ»، دلالت دارد بر اینکه مراد از این آیه بیان حکم قصاص در اقسام مختلف جنایات است... در نتیجه، برگشت جمله‌های واقع در یک سیاق، به این است که جانِ جانی در مقابل جانی که تلف کرده، از او گرفته می‌شود». ایشان در ادامه می‌افزاید: «شاید منظور آن مفسر (المنار: ۴۰۰/۶) که گفته تقدیر جمله «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ»، «النَّفْسُ مَقْتَصَةٌ بِالنَّفْسِ» یا «النَّفْسُ مَقْتُولَةٌ بِالنَّفْسِ» است و همچنین سایر جمله‌ها چیزی در تقدیر دارد، همین معنا باشد، ولی هیچ حاجتی به تقدیر گرفتن نیست، بلکه جمله‌ها بدون تقدیر گرفتن هم تمام است... و این آیه خالی از اشعار به یک نکته نیست و آن این است که این حکم، غیر از آن حکمی است که [یهود] می‌خواستند رسول خدا(ص) در ماجرای آنان، حکم کند و آیات سابق متذکر آن بود؛ برای اینکه سیاق آیه مورد بحث با جمله (إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ...) تجدید شده و سیاق نوری گشته و حکم مذکور در تورات فعلی، موجود است. (نک: المیزان، ذیل آیه ۴۵ مائده)

مورد دیگری که علامه حکم فقهی را از سیاق استفاده نموده است، آیه ۲۳ سوره نساء (وَأَمَّا تُمْكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ...) است. ایشان در این باره آورده است: «این آیه با سیاقی که دارد، دلالت می‌کند بر اینکه شارع اسلام حکم مادری و فرزندی را بین یک دختر و زنی که او را شیر داده برقرار کرده است؛ یعنی زن شیرده را مادر آن دختر و دختر را فرزند آن زن دانسته است و همچنین حکم برادری را بین یک پسر و خواهر شیری‌اش برقرار ساخته است».

همچنین در تفسیر آیه ۸۹ سوره مائده (لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْإِيمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ...)، درباره خصال سه‌گانه کفارات این‌گونه فرموده است: «بیان خصال سه‌گانه کفارات چون با لفظ «أو» که برای تردید است، عطف شده و دلالت دارد بر اینکه یکی از آن سه وجوب دارند نه هر سه و از این حکم که فرمود: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» استفاده می‌شود که خصال مذکور تخییری است [نه ترتیبی] و چنان نیست که سومی در صورت عجز از دومی و دومی در صورت عجز از اولی واجب باشد، بلکه هر سه در عرض هم واجبند و ترتیبی در بینشان نیست؛ چه اگر ترتیبی در آنها ذکر بود، این تفریع که در «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ...» است، لغو بود و یقیناً سیاق اقتضای این را داشت که بفرماید: «أَوْ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ...».

ذیل آیه ۱۱ سوره نساء که پیرامون ارث است و سهم الارث فرزندان را مشخص می‌نماید نیز چنین آورده است: «ضمیر در فعل «كَانَتْ» در آیه «إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ...» به واژه ولد برمی‌گردد که از سیاق کلام فهمیده می‌شود و اگر ضمیر را مؤنث آورده و نفرمود «كَانَ» با اینکه مرجعش مذکر است، به ملاحظه خبر بوده است؛ چون منظور از ولد دختر است». (طباطبایی: ۳۲۹/۴)

از این فراز، به‌خوبی، استفاده می‌شود که علامه در تفسیر، حتی از جهت ادبی، کلام را از ظاهر خود برگردانده و به خلاف ظاهر معتقد می‌شود؛ به این دلیل که سیاق را قرینه‌ای مهم‌تر از ظواهر و قواعد عربی می‌داند.

۶.۳. تعیین مصداق آیات قرآن

از دیگر کاربردهای سیاق می‌توان به تعیین مصداق آیات اشاره نمود؛ برای مثال، علامه طباطبایی در آیه «مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹) وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»، می‌نویسد: «آیات ۷۹ و ۸۰ آل عمران از نظر سیاق هم بهتر و هم آسان‌تر با عیسی بن مریم (علیهما السلام) انطباق دارد تا با رسول خدا (ص). (همان: ۳۲۶/۳)

۷.۳. حمل لفظ بر معنای خلاف ظاهر آیه

همان‌طور که پیشتر آمد، گاهی دلالت سیاق معنای ظاهری آیه را کنار می‌زند. علامه پیرامون آیه ۷۵ سوره انعام (وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)، این‌گونه فرموده است: «... می‌توان فهمید که کلمه «نری» در عین اینکه مضارع است، مع ذلک حال گذشته را حکایت می‌کند؛ نظیر جمله «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...». پس اینکه بعضی از مفسران گفته‌اند جمله «وَكَذَلِكَ نُرِي...» نظیر جمله معترضه‌ای است که به ماقبل و مابعد خود ارتباط ندارد و همچنین اینکه بعضی دیگر گفته‌اند که مسئله ارائه ملکوت، اولین ظهورش در کار ابراهیم، آن شبی بود که ستاره را دید، صحیح نبوده و نباید به آن اعتنا کرد». (همان، ۲۴۰ و ۷).

۸.۳. گسترده‌گی معنایی در آیات

یکی دیگر از مواردی که می‌توان درباره دلالت سیاق اشاره نمود این است که در پرتو متن و بافت معنایی یا همان سیاق، برای یک واژه یا کلمه، گستره بیشتر یا به تعبیری، توسعه معنایی قائل شد. علامه طباطبایی در این رابطه به آیه ۵۴ سوره نساء (وَأَتَيْنَاهُمُ مَّلَكًا عَظِيمًا) اشاره نموده و این‌گونه نوشته است: «مقتضای سیاق این است که مراد از مُلک، معنایی اعم از ملک مادی بوده و شامل ملک معنوی، یعنی نبوت و ولایت حقیقی بر هدایت خلق و ارشاد آنان نیز می‌شود». (همان: ۶۰۱/۴)

۴. نتیجه

برای شناخت دقیق مراد و مقصود گوینده، چاره‌ای جز توجه به بافت معنایی یا بافت گفتاری نیست. بافت و سیاق که با تعبیر دیگری همچون متن یا قرائن مقالی از آن نام برده می‌شود، در از هم‌تیدگی ساختار و سبک متن، بلاغت و فصاحت گفتار و نوشتار و همچنین استفاده از آرایه‌های ادبی، استعاره‌ها، مجازها، اشتراک لفظی، اشتراک معنوی، کنایه، همنشینی معنایی، جایگزینی و... شکل می‌گیرد؛ زیرا متن از واژگان با پیوست و گسست معنایی شکل می‌گیرد؛ به همین جهت، نمی‌توان برای پی بردن به مقصود گوینده یا نویسنده متن، تنها به قواعد عربی و نشانه‌های دلالت ظاهری اکتفا نمود. گاهی ممکن است یک واژه در پاره‌گفتارها، آیات یا حتی در یک سوره، معانی متفاوتی داشته باشد. این تفاوت معنایی یا سیال بودن مدلول لفظ، تنها در صورتی برای خواننده و مفسر متن واضح می‌گردد که بافت لفظی را در تحلیل متن مدنظر داشته و از آن غافل نگردد؛ به همین جهت، توجه به این شیوه از مطالعه متن و فهم مقصود متن باعث شده است که کارکردها و گونه‌های متفاوتی از دلالت بافت و سیاق در متون تفسیری، اصولی و... استنباط و استخراج شود. نگارنده این سطور با مراجعه وسیعی که طی تحقیق خود به میزان داشته است، افزون بر دو هزار بار با این واژه برخورد نموده و با احصای مبانی، شرایط حجیت و کارکردهای این‌گونه فهم از متن، تنها موارد معدودی را ارائه نموده است.

کتابنامه

- قرآن؛
 نهج البلاغه؛
 آشتیانی، محمدحسن، بحرالوفوائد في شرح الفرائد، ناشر: کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۳ق؛
 آلوسی، سید محمود افندی، روح المعانی چاپ دوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق؛
 ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل قریشی دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق؛
 بابایی، علی اکبر؛ عزیزکی، کیا، غلامعلی، روحانی راد، روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر رجبی، محمود، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۹ش؛
 بیضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد شیرازی شافعی، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، چاپ دوم: بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق؛
 پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معنی شناسی، مترجم: کورش صفوی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۶ش؛
 جصاص، ابوبکر احمدبن علی رازی، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛
 جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، چاپ چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین؛
 حسینی اجداد، سید اسماعیل، ایازی، حسینعلی؛ مشایخی، حمیدرضا، تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی خطبه «نکوهش مردم کوفه»، فصلنامه متون اسلامی مطالعات ادبی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی پژوهشکده اسلام تمدنی، مشهد، ۱۳۹۵ش؛
 روحانی، محمد حسین، منتقى الاصول، انتشارات امیر، ۱۴۱۳ق؛
 زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق؛
 زبیدی، محمد مرتضی، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، مکتبه الحیاة؛
 دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا؛
 سراقی، بهروز، پایان نامه ارشد، جایگاه سیاق در فهم قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ۱۳۸۶ش، دانشگاه مفید؛
 غیبی، عبدالاحد واسماعیل زاده، حسن و اصغر، عاطفه، «رهیافیت زبانشناختی بر جایگاه و نقش آفرینی» کلمه «و» جمله «به عنوان واحدهای زبانی در فرآیند ترجمه قرآن کریم (مورد واکوی سوره مبارکه فاتحه)» دوفصلنامه مطالعات سبک شناسی قرآن کریم، ۱۴۰۳ش، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۱۲، صص ۳۶-۹.
<https://doi.org/10.22417/3127.sshq/10.22417/https://doi.org>؛
 صدر، سید محمد باقر، دروس في علم الاصول، ناشر دارالمنتظر، چاپ اول، ۱۴۰۵ق؛
 صفوی، کورش، درآمدی بر معنی شناسی، بی تا؛
 طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، مترجم: موسوی همدانی، سید باقر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ، ۱۳۸۶ش؛
 طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ش؛
 الطلحي، ردة الله بن ردة بن ضيف الله، دلالة السياق، مکه، ۱۴۲۴ق؛
 فاضلی، حمیدرضا و دهقان منگابادی، بمانعلی و زردینی ... «باخوانی انسجام ساختاری قرآن کریم در پرتو نظریه نظم متقارن از دیدگاه ریموند فرین (مطالعه موردی سوره یوسف)» دوره ۶، شماره دوم، دی ۱۴۰۱، صفحه ۹-۳۴؛
 فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد، کتاب العین، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق؛
 فرهاد، ساسانی، «تاثیر بافت در معنای متن» دوفصلنامه علمی پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س) سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش؛
 قربانی مادونی، زهره، خواجه محمد ابادی بهناز، علوی طبائی، ریحانه، نقش بافت در معنا آفرینی آیات متشابه با تکیه بر نظریه فرت، فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه علامه طباطبائی، شناسه دیجیتال (DOI): ۱۰.۳۰۴۹۵/۱۰۳۰۴۹۵.qsf
 ۲۰۲۳/۹۵۷۵۹۰۲۸۵۴.۱۴۰۲ آبان ۱۴۰۲ش؛
 مظفر، محمد رضا، اصول فقه، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، شهریور ۱۳۷۰؛
 معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون في ثوبه القشيب، الناشر، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، الطبعة الثانية،

۱۳۸۳ش؛

موسوی خمینی، روح الله، تهذیب الاصول، ناشر: اسماعیلیان، ۱۳۸۲ ق؛
نائینی، محمد حسین، اجود التقریرات ۲ جلدی، انتشارات مصطفوی، قم، ۱۳۶۸ش؛
-----، فرائد الاصول، ۲ جلدی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق؛

نورسیده، علی اکبر و میراحمدی، سید رضا و ترابی ابوالفضل «معناشناسی واژه زعم، مریه و ریب در قرآن کریم»
دوفصلنامه مطالعات سبک شناسی قرآن کریم، اردیبهشت ۱۴۰۲، ش ۱، صص ۱۵۵-۱۳۶. [https://doi.org.136-155](https://doi.org/10.22034/10.22034/https://doi.org.136-155)
2023,377983,1265.sshq

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۷

پاییز و زمستان

۱۴۰۴

References

- Quran;
Nahjul-Balagha;
Al-Talhi, R. A. b. R. b. D. (1424 AH). *Dala'la al-Sa'iq*. Mecca.
Alusi, S. M. E. (1404 AH). *Ruh al-Ma'ani* (2nd ed.). Dar Ihya al-Turat al-Arab.
Ashtiani, M. H. (1403 AH). *Bahr al-Fawad fi Sharh al-Faraid*. Ayatollah Marashi Library.
Babai, A. A., Azizi Kia, G. A., & Rohani Rad. (1379 AH). *Methodology of Interpretation of the Quran* (1st ed.). Research Institute of the Seminary and University (SAMAT).
Baydawi, A. b. O. b. M. S. S. (1416 AH). *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil* (Tafsir Baydawi) (2nd ed.). Dar al-Fikr.
Dekhoda, A. A. (n.d.). *Dekhoda dictionary*.
Farahidi, A. A. R. K. b. A. (1409 AH). *Kitab al-Ain*. Dar al-Hijra Institute.
Farhad, S. (1389 AH). The effect of context on the meaning of the text. *Bi-Quarterly Journal of Linguistics, Al-Zahra University (SA)*, 2(3).
Fazeli, H. R., Dehghan Mangabadi, B. A., & Zardini. (1401 AH). Rereading the structural coherence of the Holy Quran in the light of the theory of symmetrical order from the perspective of Raymond Frein (case study: Surah Yusuf). [Journal Name], 6(2), 9–34.
Ghaibi, A. A., Ismailzadeh, H., & Asghari, A. (1403 AH). Linguistic approach to the place and role of "word" and "sentence" as linguistic units in the process of translating the Holy Quran (the case of analyzing Surah al-Fatiha). *Bi-Quarterly Journal of Stylistic Studies of the Holy Quran*, 8(1), 9–36. <https://doi.org/10.22034/sshq.2024.173127>
Ghorbani Madouni, Z., Khwaja Mohammad Abadi, B., & Alavi Taba'i, R. (1402 AH). The role of context in creating meaning of similar verses based on the theory of Farth. *Quarterly Journal of Quranic Studies, Allameh Tabataba'i University*. <https://doi.org/10.30495/qsf.2023.1957590.2854>
Hosseini Ajdad, S. I., Ayazi, H. A., & Mashayekhi, H. R. (1395 AH). Analysis of the textual and situational context of the sermon "Rebuking the people of Kufa." *Quarterly Journal of Islamic Texts and Literary Studies, Institute of Islamic Sciences and Culture, Institute of Civilized Islam*.
Ibn Kathir, A. F. I. Q. al-Dimashqi. (1412 AH). *Tafsir al-Quran al-Azeem*. Dar al-Marafah.
Jassas, A. B. A. b. A. R. (1415 AH). *Ahkam al-Quran*. Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
Johari, I. b. H. (n.d.). *Al-Sahih Taj al-Lughah wa Al-Sahih al-Arabiya* (4th ed.). Dar al-Ilm lil-Malayeen.
Ma'rifat, M. H. (1383 AH). *Al-Tafseer wa al-Mufassiroon fi Thawbihi al-Qasheeb* (2nd ed.). Al-Razwiyya University of Islamic Sciences.
Mousavi Khomeini, R. (1382 AH). *Tahdhib al-Asul*. Ismaili.
Mozaffar, M. R. (1370 AH). *Principles of jurisprudence* (4th ed.). Islamic Propaganda Office Publication Center.
Na'ini, M. H. (1368 AH). *Ajud al-Taqriraat* (Vols. 1–2). Mustafavi Publications.
Na'ini, M. H. (1417 AH). *Fara'id al-Asul* (Vols. 1–2). Islamic Publications.
Noursaydeh, A. A., Mir Ahmadi, S. R., & Torabi Abul Fadl. (1402 AH). Semantics of the words Zaam, Mariyah, and Rib in the Holy Quran. *Bi-Quarterly Journal of Stylistic Studies of the Holy Quran*, 1, 136–155. <https://doi.org/10.22034/sshq.2023.377983.1265>
Palmer, F. (1366 AH). *A new look at semantics* (K. Safavi, Trans.). Markaz Publishing House.
Rouhani, M. H. (1413 AH). *Muntaqi al-Asul*. Amir Publications.
Sadr, S. M. B. (1405 AH). *Lessons in the science of principles* (1st ed.). Dar al-Muntazar.
Safavi, K. (n.d.). *Introduction to semantics*. Beta.
Saraghi, B. (1386). The place of context in understanding the Holy Quran from the perspective of Allama Tabataba'i in *Tafsir al-Mizan* [Master's thesis, Mufid University].

- Tabari, M. b. J. (1412 AH). Jame' al-Bayan an ta'wil ay al-Quran. Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
- Tabatabaei, S. M. H. (1386 AH). Tafsir al-Mizan (S. B. Mousavi Hamedani, Trans.). Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom.
- Zarkashi, B. al-D. M. b. A. (1408 AH). Al-Burhan fi Ulum al-Quran. Dar al-Kutb al-Ilmiyah.
- Zubaidi, M. M. (n.d.). Taj al-Arous min Jawaher al-Qamus. Maktaba al-Hayat.